

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

29 مارچ 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(بیست و سه)

پیوند

اینجا گیاه هرزه خودروی بی ثمر

با بُته های خار

پیوند خورده است

اینجا چراغ لاله خونین آرزو

از تندباد یأس

دیری ست مرده است

اینجا درخت بید

کز خون پاک قلب زمین نوش کرده است

اکنون که زیر جلد درشت و سیاه خویش

چون غول چاق و خیره سری جوش خورده است

احسانِ مادرانهٔ این خاکِ پاک را
با ننگِ جاودانه فراموش کرده است
در سایهٔ فسردگی سردِ برگِ بید
یک باغبانِ پیر
آسوده، بی خیال
دیری ست خفته است
تک بته های وحشی گل گرچه رُسته اند
اما هزار حیف
کز دستِ گرمِ نورِ طلایی آفتاب
آن سان که میسزد
در عمرِ خویش هیچ نوازش ندیده اند
چون چترِ شاخِ بید
بر گاهواره های غم آلود غنچه ها
افکنده سایه سرد
چون کوه رنج و درد
زین روی هر کدام
افسرده و خنکزده و ناشگفته است
در دست و پای نازکِ بالندگی و رشد
زنجیرِ تابخوردهٔ پیچک تنیده است
دیوارهای باغ که از دستِ برف و باد
از پا نشسته اند
دیگر به روی دزد
دیوار نیستند
دیگر به چشمِ حرصِ چپاولگرانِ باغ
چون خار نیستند

هر روز دزدِ تشنه لب از دور دستها
آید ز خونِ باغِ کشد ساغرِ شراب
بی آنکه باشدش ز هیاهوی باغبان
یک ذره اضطراب!

در هر قدم هزار امیدِ نهفته را
با پای کورِ خویش لگدمال میکند
با میده بیزِ سنجشِ غارتگرانه اش
تخم تلاش را که زده ریشه زیرِ خاک
از خاک برکشیده و غربال میکند
هر چند شعله های ستم سوزِ ناله ها
در رهرو گلوی غم غنچه جوان
چندین گره زده
اما به گوشِ خار
حرفی نگفته است
رازش نهفته است!